

شیرازی

روزنامه امتیاز میرستول
چاپ پیشه‌وری

آذربایجان بکشینه - مستقیمه پیشینه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی‌است

سایانه ۲۰۰
ششماه
رای کارگران و کشاورزان و معملین
و کارمندان مزدورانی معنی بیست تغلیف
منظور میگرد
۴۰۰۰۰۰۰۰۰

نهای آتیهها با دفتر اداره‌است
جای اداره:
(خیابان لاله زار - پانزدهم)

دهم خالفین دولت سواد روز بروز زیادتر میشود

که از اصفهان و اراک و رخت و تبریز و مشهد و رضایه و مازندران
و سایر شهرستانها رسیده شماره هفتصد و نواصت نهندگان از یکصد
و بیصده هزار نفر تجاوز میکند همه اینها برود کاپینه ای که برخلاف
آزادی و دمی کراسی و دولتی ما بین ایران و همسایگان رفتار کرده
و فقراتش کرده سقوط آنرا جدا خواصتار میباشند

رقم تقاضی روانی شرکت کنندگان امیاشات ملی را در شماره ۲۴۴۴ چاپ خواهد بود.

آیا میهن پرست میگویند بکنند؟

یازیر هفت روزگان میهن پرستی کاو دیگر میگویند بکنند؟

هزاران جنگ گذشته عالم شربت
بطور شهید بکفان خورد و چشم و گوش
طاقات و روح گشیده دنیا با شد با کشت
های طغیانی و ملواریا و آسیا و آفریا
گرفت. در آلمان، در ولایتش، در بولغار
در ترک، در آلبانی، در آذربایجان
بپایور روسیه، در فنلاند، استانی
سلفهای زنجیر جهان کشائی امیرالیم
کسیته، شمرستانها بزرگه باقی که معقلین
بودند تکامل میدید بشری پیشینی کرده
بودند آغاز حیات

دنیای کهنه با پیشانی این چنین مویس
موتحش شده با سلجه و شتاب زدگی
تمام نبری مادی و معنوی خود را
برای جلوتری از آن نگار انجالت
ارباح بی نمانی، غیر از روسیه دوره
جا با تدابیر شده و تبار و عشقانه
خود به خوبان این آتش قفسان نال
کردند.

فقط روسیه با شهامت و پشت
کار و مردانگی اش نظیر خود کار بزرگی
را که آغاز کرده بودند همچنان ادامه
داده سستی ها و سرنگی ها و
مجاافت های شدید داخلی و خارجی
فائق گردیده در یک ششم خاک دنیا
روزم و راه جدیدی پیش مستجابا بیه
هفت آزادی میخی می شود ایجاد
کردند.

بیشتر این یکی از سلفهای بزرگ
و مکنک نظیر اسامات دنیا گشیده و
بارها مانع این برای دنیای وحشت و
بیدارگری تهدید بزرگ و خطر عظیم
بود.

دنیای حرمانه داری و ارتجاع بی
اللهی ممکن بود از نهدید بگذرد
و از مبارزه با آن آبی غفلت بکرد
سیاستمدان جهان که تکران و
چیره خواران خود خووار و ستکر
و ذلت جو هستند مخصوصا ما مشاهده
میکنیم. در اقتصاد و فرهنگ استانی
باید تمام جاها شوروی خوبان استرات
نداشتند اینها ساسی میکردند بورد نیست
و بهر وسیله باشد این خلفه گشیده
تیمیر و وصل کشند و این روز و نهایی
وا که بدنیای جدید باشد خود روی
جهانیان به بنده.

برای این منظور خاندانها و اولین
تیمیر شیطانی که پیش کشیده ایجاد
بکند دیوار و یک نیمه مکتوبه فانیل
بفرد بود که آنرا باورث دوزمراهی
آن کشور بزرگ آنگاه کرده دنیایی
سرمایه داری را میگردای و استعجاب
آن بیست و هفتاد سال با نانوای مادی
و معنوی و فرهنگی و اقتصادی خود
تلا بود.

سئوال از سفارت گبرای

چرا غیر متوجه آمریکا

۱- آیا غیر محترم اطلاع یافته که روزنامه بعد از روزهای اخیر
جمهور معاصر آمریکا با بنی عطفیات ایران منتشر کرده است؟
۲- آیا این بنی عطفیات دارد؟
۳- آیا این بنی عطفیات است که روزنامه امروزه انتشار داده است؟
۴- علت چیست که عطفیات ایران با بنی عطفیات آمریکا فقط یک روزنامه
انحصار داده و چرا به کشورهای دیگر رسیده است آنرا منع مکنند؟
۵- اگر چنین بنی عطفیاتی موجود است چرا و اما نه وادی معسوس
خود امرگانیان، بلا استاسون امیرالیم و سایر وادی تهران جوامع است آن را
بموم اعلمی ایران که با نامها و نامهای آن روز و روزگاری منتشر شده است؟
۶- اگر چنین بنی عطفیاتی موجود است که در این سببی داده شده است
برای به آگاهی سایر کشورها که آنرا تکلیف و با صلح میباشند؟
۷- انتشار این قبیل افلاک در این موقع عصری که آتلیاسات دولت
امریکا و قی میوهده این بنی عطفیاتی می باشد.

وزیر تعلیمات از چه سواد گشیده؟

از قرار معلوم اداره گشیده تعلیمات کاپینه سواد آتلیاسات روز و روست
و تلگراف بوده است. معطلاتی که از روزنامه های دولتی بر
عالم روزنامه های ملی و آزاد خواهد نوشته میشد که خاش خاشه این وزیر
با تعجب می باشد جای بی شک است که آتلیاسات سواد هنوز از نظیر نه هنگام
هفت ساله به جای برپایه تعلیمات کار میکرد و فلنا از جهات معجور و ستون
بنیام معطلیته میباشند استفاده میکنند.

سواد گشیده که معطلاتی از روزنامه های دولتی را داد و بران در
بازر گرم کرده بخورد با تعلیمات

آشناند صدای آشنا

البته تعلیمات ایران این و متعلقون بجم و از مشاهده و مشاهده آتلی
مشار همان رسیده دولتی است که امروزه دستگیر آتلیاسات دولتی بیست
و تلگراف و رادیو و دولتی را بر این اساس انتشار کرده برای تعلیمات و جادغان و
بروواکسیون و کارمندان

فلا اینرا انصافی نباشد آتلیاسات مشار در عقیده خود متعقد بوده صلا
میخواهد بیاید به جاها از نکرده باشد.

بقلم ف. ا.

آیا میهن پرست میگویند بکنند؟

یازیر هفت روزگان میهن پرستی کاو دیگر میگویند بکنند؟

هزاران جنگ گذشته عالم شربت
بطور شهید بکفان خورد و چشم و گوش
طاقات و روح گشیده دنیا با شد با کشت
های طغیانی و ملواریا و آسیا و آفریا
گرفت. در آلمان، در ولایتش، در بولغار
در ترک، در آلبانی، در آذربایجان
بپایور روسیه، در فنلاند، استانی
سلفهای زنجیر جهان کشائی امیرالیم
کسیته، شمرستانها بزرگه باقی که معقلین
بودند تکامل میدید بشری پیشینی کرده
بودند آغاز حیات

دنیای کهنه با پیشانی این چنین مویس
موتحش شده با سلجه و شتاب زدگی
تمام نبری مادی و معنوی خود را
برای جلوتری از آن نگار انجالت
ارباح بی نمانی، غیر از روسیه دوره
جا با تدابیر شده و تبار و عشقانه
خود به خوبان این آتش قفسان نال
کردند.

فقط روسیه با شهامت و پشت
کار و مردانگی اش نظیر خود کار بزرگی
را که آغاز کرده بودند همچنان ادامه
داده سستی ها و سرنگی ها و
مجاافت های شدید داخلی و خارجی
فائق گردیده در یک ششم خاک دنیا
روزم و راه جدیدی پیش مستجابا بیه
هفت آزادی میخی می شود ایجاد
کردند.

بیشتر این یکی از سلفهای بزرگ
و مکنک نظیر اسامات دنیا گشیده و
بارها مانع این برای دنیای وحشت و
بیدارگری تهدید بزرگ و خطر عظیم
بود.

دنیای حرمانه داری و ارتجاع بی
اللهی ممکن بود از نهدید بگذرد
و از مبارزه با آن آبی غفلت بکرد
سیاستمدان جهان که تکران و
چیره خواران خود خووار و ستکر
و ذلت جو هستند مخصوصا ما مشاهده
میکنیم. در اقتصاد و فرهنگ استانی
باید تمام جاها شوروی خوبان استرات
نداشتند اینها ساسی میکردند بورد نیست
و بهر وسیله باشد این خلفه گشیده
تیمیر و وصل کشند و این روز و نهایی
وا که بدنیای جدید باشد خود روی
جهانیان به بنده.

برای این منظور خاندانها و اولین
تیمیر شیطانی که پیش کشیده ایجاد
بکند دیوار و یک نیمه مکتوبه فانیل
بفرد بود که آنرا باورث دوزمراهی
آن کشور بزرگ آنگاه کرده دنیایی
سرمایه داری را میگردای و استعجاب
آن بیست و هفتاد سال با نانوای مادی
و معنوی و فرهنگی و اقتصادی خود
تلا بود.

رأی داری مسکو چه میگوید؟

سه شنبه ۲۳ ساعت ۹ صبح

آتلیاسات سواد بنیام ملی ایران شایان میکنند. از روزیکه رضا شاه
از سفارت برکنار شد بهیچوقت ملت انتظار ششم و هفتم خود را نشان نداده
آتلیاسات برخلاف این از داده ملت قصد دارد ایام دیکتاتوری و شاهانه را
نهیجه کند بهتسویز ایران در سیاست خارجی روسیه دسیسه کاری نسبت به
شوروی پیش گرفته است این امر باعث ششم و هفتم مضبوطات ایران شده
می گویند سواد بنیام ملی ایران شایان میکنند. از روزیکه رضا شاه
و تبریز، رضاییه و سایر شاه که چندین هزار نفر از طبقات مختلف در آن
شرکت داشته اند، سیاست سواد را مورد اقتضای قراردادها تقاضا می کردند که
سواد فوراً استعفا دهد و سیاست دولت تغییر کند ملت ایران آینه سواد
آمین ایران را درک کرده و میباید که سواد قادر نیست دیگر کسی را کول
برند. آتلیاسات را در روز دومین معظوظات تهران اظهار داشت که مناسبات
بین ایران و روسیه گام است دوستانه است و اگر روسیه غیرصادقانه و غیر دوستانه
که سواد پیش کرده است ادامه مکناری را غیر ممکن کرده است. امروز
سیاست شوروی است که سواد اشتکاره و بطور علنی و گستاخانه بر خلاف
منزلت ملت ایران است. این سیاست دو مرحله اول خود آتلیاسات
سواد می باشد دوستی چندین ساله ایران و شوروی را غیر خالص مردم بین
ایران شده است. اینها می خواهند ایران را تبدیل به یک تکیه گاه حمله
فناپذیر، بر ضد شوروی نمایند ولی تاکنون دولت شوروی رنگ که بهر روز
کشیده شده بود، باره خود و ایران از سرخوش خیالی از کشور های اروپا
هفته دیوار افتالی استوار شده اند بابت این بیان سواد که آماده شد و ارتش
سرخ استانی است و شال و شال قنقاز را که سواد را هم هفته
چنگالی غلبتت ها تصرف آن دوازده شده بود بجات داد اما در ایران
دسته ای از دولتیان بنام خن از ازابان ۱۹۲۴ از تحریکات بر علیه شوروی صرف
نشدند بگذرد بود به نام سواد دولت شوروی ساسی میگرداند اینروزها دولت
سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بین ملتین تاثیر شواهد داشت و هر قدر رود
ایرانه رنگ شورک دولتی که از صلحیات سواد برای ملت ایران تهیه میشود رود
تر طرف خواهد افتاد.

اسپانیا

چنگک برای آزادی و از سر گرفته است

دیکتاتور های فاشیست آلمان و
ایتالی، بعد از آنکه از چرخه شیشه فراخ
شدند و از عمق توحه شدید دورهای
کار گردان جامعه حال استعاده دوباره
و این کشور ستمدیده را و او برای
مظور معسوس مردم استشار را در فاند
عظمت آزادی میفرمود و بعد از آن
و تسامحات خود و در عین حال برای
توسعه و ارتقای مراکز تکیه گاههای
خوش بود و از این جهت معسوس
اروپا و تکلیف بیانات و نفوق ناموس
در سرسراز آتلیاسات و بلاخره با وجود
سودن فعالیت های دولتیای دموکراسی
در درباری بعد از آن توحه سینه استانی
شدند فعالیت های بیرونی و نفوق
ژنرال فرانکو را در مراکش اسپانیا
ارغام کردند و سبب از این ژنرال
و بشاران و همدستان او پشتیبانی کردند

و آنها را بر علیه حکومت جمهوری
جدیدا در مادری روی کار آمدند و
سواد تکلیف بیانات خویش بود و اودار
با عشقش سرورند.
چنگک داخلی در اسپانی در گرفت
این چنگک در نتیجه مداخله نیرو های
عالمی دموکراسی از طرف دولتهای بیرو
نی فاشیست ایتالیا و آلمان از طرف
دیکتاتور بلک جنگ اروپا را بخود
گرفت.

این چنگک برادر کشی با افریق
تیمیر نفوق مادی و معنوی آزادی
بفتح ژنرال فرانکو با بان است حکومت
فاشیستی است و ریاست وی در مادری روی
کار آمد.

حکومت جدید از هان اینتارو به
دولت های رم و برلین را بدین گرفت
باز میباید دعا

گزارش

در نمایشگاه و روابط فرهنگی ایران و شوروی

پرشب داده‌ت سمیت روابط فرهنگی ایران و شوروی
مدیران جراید در نمایشگاه آن سازمان حاضر شده بود .
در آن نمایشگاه بواسطه تکلیف که اغلب از مسئولین اسرائیلی
در آنجا آمده و مشاغل و مشقت‌گیزی که اوتش آن‌ها در نگاه شوروی ایجاد
کرده‌اند مجسم می‌شود .
آن‌ها در آنجا معلوم می‌کنند که ایران در آنجا نیز بی‌بیم
دانه بود .
چند نفر از آنجا که در نمایشگاه که پیش از این از
دانشه است و دیگره سازمانه بواسطه تعلیمات و تعلیم و تربیت
شده علاوه بر آن‌ها در بابک روش و شیوه و در عرض چند ماه معروض
و با وجود می‌کنند .
ما خوانده‌ایم که آن‌ها در آنجا نیز به بیان نمائنده که در آنجا
غارت و بی‌بازی بزرگترین جنایات کاران مصر حاضر است سری زده معنی نظم
نویس می‌نویسند و علاوه بر آنکه می‌نویسند .

انقلاب

با اطلاع آنکه در روزنامه داد و شماره گذشته خود منتشر کرد در تبریز
نمایشات شوروی که رفیقیه دولت ساخته تشکیل و کار بود و خورد کشیده در اثر
مدعا شده است و این دولت چه در گذشته و زمانی شده است .
از قرار معلوم این انقلاب روز بروز بر شفت خود می‌آید بنا بیکشته
مسافرت و نامه‌های رسیده مردم از آنجا این است که به دولت و کار و تبلیج
ملین هستند .
مخصوصاً ما خوانده‌ایم که اخبار نامه نماینده آن سازمان که برای‌های دیگر
دولت که در آنجا و اختلاف نام می‌بینند در آنجا در آنجا و ضمیمه و اولیم تر
گردانست اگر دولت ساعد زرد می‌کنند کار چه جای‌ها باریک یکشته .

نگارنگار شوروی

از مشهد

مجلس شورای ملی در نوشت ترا کبیر
نموده بود و نوشت و میر و نوشت آذربای
نوشت ترا کبیر و نوشت اطلاعات و نوشت
آزادگان و نوشت ایران آذربای نوشت
ایران و نوشت مهر ایران و نوشت
آن‌ها در بینکته بزرگ که در آنجا
هزار نفر در آنجا شرکت کرده و نوشت
تشکیل شد شرکت کنندگان در بینکته
تسلیت یکباره ساعد و روش سیاسی شعر
ناگی و آه که در بینکته است اظهار
ناروت کرده و نوشت می‌کنند که نوشت
وای روابط فرهنگی و اقتصادی می‌کنند
بین ملت ایران و ملت دوست و معجورا
با اتحاد جمعیتر شوروی اقدام به پیش
اهدادت دولت شوروی و ارجح بنا بر آنکه
شکل تریب از آنجی داده شود از
شرکت کنندگان در بینکته خبری نشوی
حسن جامی دکتر قوم تیری .

از مشهد

مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
و گرسنگی هزاران نفر کارگر خراسانی را
نورده می‌کند که ساعد و نوشت تیری
بر اوضاع غرب و شرق تیری که به ساعد
بوجود داده و شراب گران خراسان خوارانند
که نوشت دولت ساعد زرد که بر کار خود
شورای ایالتی اتحادیه کارگران و نوشت
گشتر خراسان .

باز از مشهد

مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
خودسری و نوشت تیری که در
دولت ساعد که برخلاف واقع بود
وطن خواد سرش قدیم بعضی رسیده نه
هزار نفر مشتاق و بی‌بازی بود یک تیری
کند که این دولت قاسم با سیاست یک
جانبه منحوس خود بود عزیز مرابره
بریکه ملاکت و فلاکت می‌کنند
تشکیلات ایالتی حزب توده ایران در
خراسان ثابت و نوشت تیری ابواب خود
را مسیت باین که تنگین اعلام می‌کنند
وامادامی که این دولت از تیری بر کنار
نشود مبارزه خود را ادامه خواهد داد
کینه ایالتی حزب توده ایران در
خراسان .

باز از مشهد

مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود
باز از مشهد
مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود

قریبانی نان!

مشهدی رمضان و دیگر شور داری و باض امروزی اجساد معله صا
در دوشکخانه پخت بازارچه که پس همیشگی است نان در زندگی می‌کند
و چون مایه خانه ما در دوشکخانه نیز باقیه کوبک نیز در کوفه فاصله بود
همیشه آوازش بشکوش اهل منزل ممل رسیده کرد و از دست او نان می‌گفت
می‌بهره و داری باوجود این آرزای من و گرسنگی که از سینه پروردی بر می‌-
آید باستانی در دل می‌نشست آشپاری که می‌خواند و معرود و بندوخت و از آن
جهانین خبر بود که اغلب تکرار می‌کرد
دلا بسید که سوز تو کارها بخند

نواز تیره شفتی شیخ عدلا بکند
وای یکشت زستان عدون قسعه این آواز شمع شد . فردا شب هم
صدای نشنیدم . شب بد بود . سکوت گفتم: اگر چه از علت این سکوت
بی موقع مطلع نبود ولی آنرا شنیده باشم آمد خوبی نیدانستم .
دوسه روز بعد هنگامی که می‌خرامش از خانه خارج شدم مشهیدی رمضان
در زده و بنابر معلوم داخل شد تا سطل زباله را از کنار حیاط برداشته و
غالی کند . همگامی که مراد به سینه می‌کرد و من هم اربابانه تسلیت کرده و
جواب او را دادم . صورتش از سینه معزونی در روکش بریده چندانست
انتر می‌خوانی و با گریه فرزند شده و دوی هم رفته از همه وقت انسرده تر
بنظر می‌رسید .

پرسیدم: چرا چند شب است دیگر صدایت در نمی‌آید! چرا دیگر
آواز نمی‌شنوی! در پاسخ گفت ای آقا مگر این زندگی برای آدم دل و دماغ این
کارها را می‌گذارد .
مگر کارهای دیگری که پیش آمده برای تو داده که این طور دل
دماغت را سوزاند .
پیش آمده چه؟ تمام زندگانی ما پیش آمده است . بدبختی ما
که ازگی و کهنگی گذارد .
می‌راست می‌گذارد ولی باوجود این باید تا تو زدی داده باشه که این
قدر دور تا تیر کرده و بیکاره ترک خودتگی کردی
چند تا تیره سکوت کرد گویا می‌خواست انگار شورا مرتب کند و شاید
خواست تصمصب بگیرد

یکی دو بار هم سر و گردن داد و تکان داده و متلاوبا بصورت من و زمین
انگاه کرده و باغچه چیدن گفت:
گفته از کلتن دور دره مادی اینا نشود ولی هرچه باشد برای یکدیگر
هم شده گروه از این طرف آید چرا گرفته و بداند کسی می‌کنند . بنیاسران
اگر اجازه می‌دهید شرح قضیه را از اول خدمتتان عرض کنم
از آنجا که بنیان چندان علاقه نشینان داستان او نداشتم زیرا از طرفی
شود را از چاهی بالاتر از او دانسته بودم و در دل گریه با یککش کارگر از پایش
تر از شان خود می‌بینم . اسراف و بی‌بهره بودن اداری می‌گفت و مسکن بود
بناظر شنیدن داستان من و از طرف دیگر و فتنگر کرمز بر اسم کشیده و
غدای نخواست قسطنی از او مقرر را عنوان کرده می‌گفتند .
ولی امان اولاد آذربایجان . همگی بیل بدو صافی مارا راحت می‌گذارد :
دلیم می‌خواست است و آدمی مهربان بنده از آن جلوه داده و بهمانگی که نشوی
برای خاطر چنین احساس می‌حاضر وقت مزیر خود را تلف نمایم ناچار دهان
را بتیمس گشوده و باسوردی ملا ممبر را از او پرسیدم .

در پاسخ من چنین گفت:
آقا . ای خدا شنیده‌ای که آن کوبولی و این بازی هارا برای ما
دیو آورده بر دست ما بنشانند . از روزی که این کوبون بازی شروع شد
یک لقمه نان راست از گزلی ما بچاره‌ها با نرفتن نان چه چاره معجور بودیم
و باجاری می‌خواستیم روزها و آنده به بهاداری می‌نشدیم دکان نانواهی و بعد از
یکی دو ساعت معطلی روزانه را می‌گرفتیم .
البته این کار خیلی دردمند داشت از اضاطر نقش شنیدن دادش از آن
تو سر و خوردن داشت از ترس جیب بر پول و کوبون را دو دستش
چسبیدن داشت .
ولی هرطور بود من اشتیاق و محبت خاصا چون آدم بلایه بودیم و با
آزاد دم دکان سلام و علیکی داشتیم نان مان را چند سیر جیب تر
می‌کشیدند .

بگوروزیقه و الله بجهه بخاله آدمکوت که نان را چند نانواهی ما ساخته
و بجهه مردم نان سیلو می‌دهند . گفتم خدا با بامید تو ما که باهر و نکش‌باخته
و با این روکش هم می‌آید .
فردا صبح تیر آفتاب وقت دنبال نان رفت و معام سر آورد آ و آب
آتش کرد و با بجهه بناظر نشینان از رقیه شیری شد . ترسیده گم
غدای نخواستند در این غناباتی شلغ خطری پیش آمده باشد ناچار لباس
پوشیده و از خانه خارج شد تا یک خبری بگیرد .
اما داوود بد نبخشید همین که رسیده سر کوه دیدم جیب فوشاهی
است در مقابل شد فشاخ شیخ عدلا و ملا و فریاد باسنان رفت و در طرف
شده در کنار بیابان و مردم در درد صف ایستاده‌اند اما نهاده صفت
چشم کارگر می‌آید بود و از آنجا با باقوم کشیده برسر آنها که از صف
خارج شده بودند می‌گوشیدند .
از آن زمان پس پرسیدم سر کار دیگر این چه ساطی است در جواب
گفت داداش مگر از پشت کوه آمده ای! از اینجی جیزها اطلاع نداری گفت
بعد از پشت کوه می‌ماند ما را از اوضاع اینجا هم دوست سر تو نی آید
سابقا که مارا اجباری می‌بردند در منطقه می‌نظر ببطلم می‌کردند ولی
آن وقت ما بدگیزکن‌ها را باجباری می‌بردند .

مظفر فیروز را به آمریکا راه

تشنه آب داد
میکرونت آقای مظفر فیروز برای رفتن به آمریکا دو سه کی میگذند. ولی عقیده مظفرها اینست که ایشان راه آمریکا راه نظیر نوازند در برای اینک...

آذربایجانی زامید و

ما بوس است
و صفت کنایه آذربایجان در فیروز بدتر و خوبتر از آن است. بکاری ساعت ۱۰ ساعت همه را تهنیت میکنند و بر سر همه بکاران دقیقه دقیقه میآزمایند...

آزیر

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۸/۸/۱۳۳۳ - آقای رسول بامدی شناسنامه شماره ۱۴۷۷۱۰ باستاند بکریک کرمانجاه و رونوشته شناسنامه دار شماره ۲۳ و ۲۶ و ۱۶۹۹ داده باینکه مرحوم نفی بامدی دارنوشته شناسنامه شماره ۱۴۷۷۲ در تاریخ اول مرداد ۱۳۳۲ در تهران جانگانه همیشگی خود وفات یافته و منقاص...

آگهی

- مناظر اینک هوم اهالی شهر پتوانند در هر خط سکونت باشنه باسرع وقت مراجعات بانکی خود را انجام دهند و احتیاج نداشته باشنده
بماداره مرکزی بانک مراجعه نمایند بانک ملی ایران ده باجه دریافت زیر افتتاح کرده است :
> خیابان سیه جنب پتخانه
> امیریه
> خیابان امیریه و و بروری خیابان درانج راه
> شهر خا
> انتهای غربی خیابان شاهرخا و و بروری بسب زرتشتی
> سیه
> خیابان سیه دروازه شیران
> شاهپور
> میدان شاهپور
> میدان شاه
> خیابان ری
> میدان شاه
> سرداعطرت
> سرداعطرت
> چهارراه گاو بندک سرای نردوسی
> خیابان حاج حسن
> خیابان امیریه و و بروری بازارچه سیه ابراهیم
مولوی
چهارراه نیاونی سرای بانک ملی مرکزی امیریه میهنده
۱ - بازار گردن حساب جاری
۲ - بازار گردن حساب پس انعال
۳ - قبول برات همه شهرستانها و تهران برای رسول
۴ - صدور حواله پسینی و تلگرافی عهده شدها و و نایندگیها
بانک ملی ایران از همه مشتریان خود تسنا دادود مرگه کوچکترین
خس در حسابات باجه ها مشاهده فرمودند باینکه برین عدم وضاحتی از سلوک
کومتیان آنها داشته باشنده مراتب را اذعان برین شده مرکزی بر رئیس
شده بازار بازرسی اداره بازرسی کل بانک اطلاع دهنده تسنا در فای آن
اوضاع اتمام خود و از این راه به تکمیل سازمان بیکه ملی خودشان کمک
نموده باشنده.
۲-۲

تنگرانی از مشهد
مجلس شورای ایر و رونوشته آذربایران
کابینه ساهه آذربایران
و وروانسان و
سیاه میگردند و اتمامات تکمیل اوجز به
یعنی ملت ایران نتیجه همه دهاست
بنام ملت جوان ایران بر کناری ایازم
در نا تاریخ را خوشناموزیم
سازمان جوانان حزب توده ایران
در غرضان

موثریکها
دستاند موثریکها از تحریف ترجمه
آرای کریم گنجاوری از چاپ خارج در
اداره آذربایران و گنجانده آقادیای افراور
جلدی ده در نالین جروس میسه .

درس روسی و انگلیسی
آذربایران - باساز بازار - پهلوی روزنامه آذربایران
از روز دهم آبان شروع میشود
تا نوبس هه روزه از ساعت ۸ تا ظهر و از ۴ تا عصر ۳-۲

تقلم آنطور فرانس

بر فز از سنگ سفید

من بر خاشام و از همراگان خویش و حسن نیت آنان با سبککاری کرده و از مورن تقاضا کردم که لطف کرده به یک پرشت دیگر من هم پاسخ دهد و گفتم :
> آیا شا بدین نداردی ؟
> مو پاسخ داد :
بر کسی آذربایجان بیباری داریم و برش از آنها تپو طورند.
حتلا در فراهه مذاغه بشری و پوزبیتوریم و صیحت و سیریت پریم
وجود دارد . در منی توایی هنوز کاتولیک می شود ولی
مستودند و به ممالک عظه و نومی عدالد و این چنین به اخلاقی
است که در قرن بیستم پس از احکاک و وصایت از دولت
صورت گرفت . مدتی است که بابک هم وجود ندارد .
میثل گفت :
> اشتباه میکنی - هنوز یک بابک وجود دارد - تمامها
من با او آشنا شدم او بی بیست و پنجم نام دارد و در خیابان
دلو او سرد در شهر دم رنگیزی میکند
من فریاد بر آورده کردم
> چگونه ممکن است باب و رنگیز باشد ؟
مطالب من جواب داد :
> جای صحت نیست - آخر او هم باید - تل سا برین حرفهای
داشته باشد که اندگی کند .
من پرسیدم که وضع کلیایش چطور است ؟
جواب داد :
> کلیسا و مذهبیاش را چند هزار نفری در اروبا بر مسیبت
می شناسند .
بس از رد و بل این سخنان ما از هم جدا شدیم و میشل
بر کتک که منزل در دم میاورت خانه شرون خواهد بود و
مستار الیها مرا بداجتیا هدایت کرد
شب بود و میلهادقی روشنائی ملایم دروجن حال نالقی
حما جها را فرارگرفته بود من در کنار وفادار به برینم
باز مینگریستم گفتی های یافته گونه روشنی در استوار
و بندش را مژودن جلوه میداد
گرچه اباس مراده اندامش را کسوجک تر از آتیه بود
ظاهر میگرد و با اینک با دست او در جیب نیاده بود
وضع حرکت ساده ای خالی افرو روشنی بود . آذربایران بجب

براست نگاه میکنم این اولین زنی بود که دیدم اینطور آرام و بی تکلف حرکت کند کجنگاری خوبی را از منم تمام ناسازد .
خطوط چه ره اش نیز کلاه بره زبانی و حالت مصروفی داشت. او
در بین حال مر میویوب و خیریک میگرد. میترسیدم مرا ضحکه
میافزاید. درهر حال مشهور بود که کلا نسبت بمن بی اعتنایی
میشد. ممالک ناگهان از من پرسید که حرفهای من چیست . من بدون
اینکه بیداشتم پاسخ دادم که استاد الکترونیک هستم .
مشاور الیها گفت :
> درین هم الکترونیک نیست .
من پرسیدم احتیاط مکالمه در این موضوع فراهم کنیم قطع کردم
صداها را جمعی هوای شتاب را با یکدیگر . ملاحظه منظر میگرد
بود از دوست با این نصدالی که بینه نلس این منظوق شکفت
النگیز که دای جدید نامیده شده بود گوش فرا میدادم .
هرگز برای باب الکترونیک بیشتر میگریستم هلاکه نام پای
بیشتر میشد و بیشتر از چیزی که از او داشته این هلاکه را درعروض
اینکه بکلامه بیشتر میگرد . ناگهان با گفتم :
> خود شما اموم اول و اسراروشن ورا نیز علما حلونتظییم
گردد این دیگر کس را زبان ر هکند در صورت نیست وونئی لیبیرد
مشاور الیها گفت :
> تو اشتباه میکنی . البته ما لان ایاپی های مجنوناه عهد
مانوم را تکرار میکنیم و تمام فئون فعل و افعالهای بین انسان
از ساعده و حاله قانون و شریعت آردا شده است .
همینجا هم درباره وظیفه دیگر مسائل غلط و ظالمانه نست
ولی فواینکی که جفاای مخالف اجماع و تقوض را بقریب میکنند
هنوز هم برما میجول است .
تا بیل چینی همان است که وود همیشهم غلام بود چنی
شده و هوایار . امروز هم بتی نشن شعرو خوای از خرد
قوی تر است . در این زمینه مرتد ما نسبت به دما فقط در این است
که آنان این عقربت را بدهان داشته وما از گفتن آن بیکانجام
ما آخرش قوت داریم که حورام و تا بلائی ایجاد کنیم و تویو خواهی
که ما بنا تنظیم آن هم با جودت روزیم . تو خیلی بر مدعا هستی . ما
ما حالا دیگر بربر آیدیم . ولی هنوز خرد ندم شده ایم . جمله
تا میانیات چینی هیچ اطلاعی ندارد . این روابطش از آتیه ای
میاندازد یافته نیستند . هیچ قابل تسلیم . در نالفت آوم میباشند
گاهی لغت الکترونیک . ولی رفیق گمان کن که دیگر حق گسی را
واقع نباشد .
من نینتوانستم با ن عقاید عجیب وارد بحث شوم - سرشن
مرا مرگدانه و با نولان توجه کردم شرون بی کت که از این
و هکندرسه قسم زن وجود دارد .
شان با لظفر کجنگاران و آتیها بسیار جمنی بی امتناسند
من پرسیدم که از خود او که نام قسم است

نگاه میروانده بن افکندوگفت :
> باب یکوم که مردان نیز برهنه تسند و قبل از همه باید
کستانغان را نام مردم .
از این سخنان در یادتم که مشارالیها ماسرتر از آن است
که مر بنده اند . این همه با او برای سخن گفتن که هادان در
نوبت با کلمه میرم . بعد از چند کلام بر سرورت و سبیک لغتی :
> خواهش میکنم لطفی در باره من بکنید و نام خود را
برین بگوئید .
شرون گفت :
> من نام شخصی ندارم
مشاور الیها گفت که این پاسخ بنظر من خوش آید ایامرد
بالین نصیحتی این که
> با تو تصور میکنم زن برای اینکه پسند واقع شود
در آتیه بدین حنا باید ممانعت زنان خود حتی اسم شخصی داشته
باشد و مکرر گیت ، ترز بازان نامیده شود .
من جواب دادم :
> استغفر الله - شخصها خلاف این را من ثابت میکنمده
من در جستجوی نگاه او بودم ولی بیانشی گویی نشیده
است چه نگفتم . من شکلی لغافتم . در لالی میگرد و من در پوست
خود نی کنییدم . گفتم که زیبا و دلبار است و دوستش دادم و
دوباره وسه باره گفتم .
> این چیزها چه معنی دارد ؟
من هولش نامدم و توبذیک تر بنصود گفتم . ملاطم
کرد و گفت :
> این روش وحشیان است .
گفتم :
> مگر از من بدتان میاید ؟
پاسخ داد که چنین چیزی نگفته است .
> شرون ! شرون ! برای شا چه مایه ای دارد که ...
در تاریخ دقتی برمی لیکنم نشینم .
من دستش را بر میگردم و میگویم مردم .
ناگهان دیگر که جزی حس کردم وله دیدم وود بستریم
خواهید بودم . دست بشتم مالیم روشنائی صبح آژرام من داد
و بیضعدتم بمالالت ایامهت جلم من ایامده و میگفت :
> آقا ساعت هه است . فرموده بدین ساعت هه بیدارتان
کنم . آدمهای مرض گنم که ساعت هه است .
> پایار .

آیا میهن پرست هستید؟

قیه زارنده اول

ها بود بهتر بگذراند خدمت مربوطه
 ما بومرغ ابر را بگذاشتند
 سربازهای رضا خان و سیاست
 بیادگاری میر است ساله و رجال دوره
 دیکتاتوری قهر از آن تیر بدگر
 تدارک ...

اگر چه جنگ جهانی دوم پایه این
 نقشه شوم را منزلت کرده است و نیزه
 توپهای ارتش سرخ آن زنجیر زمانه
 تار شکست مهر و نابود نموده است
 با وجود این در کشور ما رجال با
 می شوند که بپوشه خدمت بیست و هجرت
 دیگر فکر کرده از آفت زنده بمانند
 رضا خان که شبنمه وادب بازی ارتجاع
 جهانی می باشد صرف نظر نماید

اینها هنوز هم بی هیبتند که آن
 ورت شکسته و آن پیمانده ریخته است
 روز بزرگترین تیرباران بیخ این املار
 پستی بنفسم آلمان در مقابل ارتش
 سرخ در آورده و نابود نسیم - سر
 مریکند - دمای فردا خواهد بخواهد
 با نخواهد نابود است همل دروغی که
 عالم بشریت را از جنگ ارتجاع بیگانه
 داد بجهت نابود و حرف آتری او
 برود ...

ما از منظور پانانی اینها بی اطلاع
 نیستیم ما میدانیم برای چه می خواهند
 پیش از آنکه جنگ داخل مکر شود
 اینها میگویند بکنند بکنند بکنند
 بیاید با همسایگان
 بیاید و ایران از نو بسازند
 هانزنجیر محاصره دور شوری تبدیل
 این ما از دولت شوری نیتند

شاید دولت تزاری روی کار رود
 آنگاه با آفوش بی زبندباد او را
 استیصال نیکردند اینها از آزادی
 آزادی خواهان می ترسند اینها می
 ترسند اگر لود دولت شوری در
 ایران توسعه پیدا کند اینها دشمنان
 این آفرین فراموشی و زور گوی
 قدری کوتاه شوند

اینها دلان اینها از ارتجاع و
 اللی هستند که بیست سال کشور ویر
 تاریکی و جهالت کاهنده است
 بزرگی که پیدا شده بود وادار کردند
 ملت ایران آله را از دست بدهد
 ما اینها را خوب می شناییم
 مداران دنیا چنان نبوده انتشار میدهد
 تصادفی نیست همه مثل اردک و وشه
 دارد ...

اکثریت مجلس و اکثریت هیئت
 وزیران و نظارتها روزنامه های
 وکارت همه از یک سرچشمه است
 همه یک هدف دارند - آن م
 ترویج اینجانبان مالی است تقویت
 نفیسی تقویت و تکمیل رژیم فئودالی
 و گردن کلفتی است
 ما در شماره پانامی آمده برده
 از روی کار برداشته شد آنگاه را
 واضعتر خواهیم بود

معلومات فروشی و هوارگری و بیرون
 بازی دگر دیگر نیست مداران
 صالحان است که بیرون بکشانند
 بیرون ماری که باز آورده امروز
 بیست و هجرت استمداد و روزنامه ایجاد
 بکنیم باید قدری ما بطرف دیگر
 بچشم ...
 چاره دگر نیست یک نام دو هوا
 و کوه - و ریش بین نبودند - شمار
 قدر بخواهد است پدیده مبارک که
 چو به زاریه اش آن دیخ بلوغ شاعر

جنگ برای آزادی را از سر گرفته است

اصطیانا

باید از صحنه اول
 و بنقد قراردادهای سیاسی و اقتصادی
 و زمانی با آتیو بد برداشت و با
 باری و مساعدت اینها با بتعمیک
 موفقیت بود درسیای منقول شد
 در شروع جنگ - در وقت بنج حاصل
 بود که دولت از آن کودتای فوش بفرود
 بر علیه متفقین وارد جنگ خواهد شد
 این اتفاق بد موقع متفقین و کوسول
 گردید ...

بمذاکت شکت دولت فرانسه تصور
 میرفت که این شکت مقتضی فرایه
 اولی و وجود ملاقاتی که بین هینز
 فرانکو در مزر فرانسه روز داد این
 پیش بین می شد - از آنکه نیرو
 آلمان در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱ جنگ
 اتحاد جماهیر شوروی - پای تیرس را
 گذاشته و فرانک با شکت ایلیا با
 اعزام لشکر های - بران آ تی
 خود بجهت شوروی لشکری خود را
 قوی نمود نت نبود - کره اکثریت
 این میبایان در جهت شوروی از دم
 تیغ نیز و کلاه های مرگام سیلیان
 شوروی گذشت - سادک تارکام این
 نیروهای آلمان برای در علیه
 شوروی است - اداه داشته است ...

بمذاکت فوری محور از افریقا
 وانه شده - آنگاه شوروی
 شکست خواهد گردید و با
 ایلیا از برای در جهت فرانسه
 با وادان یکسرته - میرات در وضع
 دولت و درجه سیاسی خود در دولت
 های انگلیس و آمریکا در صدر
 سیاسی برآمده و شواسته این
 دولت برای تحکیم مواجته - باری
 بپوشه و حتی برای خوش آنگاه
 از صادرات خود با این کشته و صدور
 برخی فلزات مورد احتیاج آلمان را
 ظاهر آفیل دادند ...

این مانور سیاسی اگرچه مورد
 رضایت متفقین باختری قرار گرفت
 منقلد در معنوعات و جرایم شوروی
 تئوریک ایجاد و تئوریک در نظر فکر
 زامداران مسکو در مورد حکومت
 الماسیت سیاسی بپایه ساخت و حتی
 حلاصت حاصل ایلیا مسکو با گوه
 فعالیت های زامداران مادریه شدید
 ترمیکردید ...

حمایتی که چندی پیش آلمان چرچیل
 در ضمن یک نطق بسیار مهم از ژنرال
 فرانکو و حکومت مادرید نمود و ملاقاتی
 که متنازله بود در ضمن یکی از مسافرت
 هایش با رئیس دولت اسپانیا کرد
 در معافلی سیاسی انگلستان برآورد
 رضایت خود می نشانی شد و همه
 این از نایبمکسان مجلس به سیاست
 چرچیل در این حمایت از ژنرال فرانکو
 حمله کردند ...

این وضع ایی بود تا آزاد شدن
 معلوم نیست آقای دکتر میبویا چه حق در شکت
 می دارد - و فیروز و کاهنده است
 ساریه دار آن شرکته هر کدام کابل
 هیچگونه دلیل و مرقانونی اشراج
 مایبویا کشف معلوم است او هر چه
 اولی چرا آقای خدای خدای باین زور
 تازه حرکت بیبه با بانک ملی
 کمال و رشادت استقامت بکنند
 البته آفیل و رضایتی این وظیفه
 و رهن خود این کار را کرده است

آزیر

اصطیحاوی داد وصی

مختارما صادی بانه و جبرو فریاد
 هرت میبازد ۱۵۰۰ و جب ۳۶۲ نفری
 آقای مصدق را بنی محترم سرباز
 ۶۶ رشت در خانه علی جان شاه
 سرب ملای محترم آورده با مشور
 از مزارع محل احترام آمیز بود
 معاف را بازخوان خود در آفرین
 تمام عقد با شرفیات ایجاد کرده
 در حدود هشتاد تومان برای زوجه
 اصاحیه عروس خریداری و بیست روز
 تمام زوجه در منزل انبساط و نشاط
 تمامه اشرا قوی برای آستان بوس
 ششصد مقفی رفته بود - بیست ماموم
 کرده (علی صدیق باه) در پیرس داد
 سرای سرمتان رشت متنازله و افعال
 و او را در معتمدان و اولاد (بزرگ)
 خان چوبه بر موقوفه ایجاد نمود
 خود در آورده مرآت را تا ۱۰۰ شماره
 ۱۰۲۵۰۰ و ۳۳۷۰۰ بوزارت دادگستری
 در آورده و در موقوفه اجوات تقوی
 گردید و بر موقوفه بیست و شش
 بصدقه کلانتری محل بیست داد سرا
 رشت نوشته و در موقوفه بیست و شش
 رسیده است و او بود این هم
 (علی صدیق باه) نام خانوادگی خود
 کرداری میباید شا که از زمان
 میباشند
 معافی علی ایران می باشد
 اما دست نوشته معلوم جنبه
 سابق بغداد می باشد
 میر حسین گلانی
 زیر کوبه منزل شیخ موسی جوادی

اعلام جرم

مدیر زندان آفرین باید بتواند شاهه را کاذب

تقدیب شد
 چرا وزارت خارجه حکومت اختیار کرده است؟
 در شماره گذشته ۲۳ مرداد ۱۳۲۰ روزنامه امروز خبر زیر درج

شده است
 بطوری که اطلاع بدست آمده ام آقای دولت رئیس جمهور
 امریکا نامه ای رسا بوسیله سفارت ایران در واشنگتن بدولت ایران وخته
 که مفاد آن برآز در است
 چون دولت دولت آمریکا بخواهد متفقین خود برای حفظ آزادی ملی
 و در صف دولت برآز در قوی و متنازه نبرد می کنند و چون دولت
 ملت در طی چهار سال یک با نهایت صداقت و قدرت خویش جان و مال خود
 را فدای آزادی متفقین کرده بنابراین دولت امریکا عدم است و خود را موظف
 و منزه می شناسد - نسبت به ملت و دولت ایران و حفظ ثبوت و صیانت
 استقلال آن - قسری زندان کرد که برای رنسان آزادی تری نیست بعلی صلیف
 نوره ای از و ششمن گوانه بود

بقرار اطلاع من این نامه تکراه از واشنگتن تهران رسیده است
 بطوری که با تحقیق کرده ام این نامه ساختگی است و بوجهی چنین
 تکراهی بوزارت امور خارجه رسیده است
 این اشکات برای اشوب کردن افکار عموم و بیست و هجرتی درواغین
 متفقین ایجاد میشود
 ما که بقی روایع ایران با همسایگان خود دولت امریکا ملاقاتیم و
 مایلیم که برای بکشی صلح و ابراهام متفقین همیشه سنه باقی باشد این دلیل
 که بزرگان و ضرر کشور ما و نایب تیرگی درواغین با من نیست شدیدا اعتراض
 میکنیم و وزارت خارجه بخواهد این خبر را که خدایتانود و مسامحت تقدیب
 کنند و آقای داستان دستور تقدیب انتشار معده را بدهند
 آقای دولت نقد در منطق اخیر خود گفته اند که ما با سایر ملل
 بزرگ از شریک مسامحه نموده با شاید روزی فرانس را که بنا بر فرمود
 ما نیز بیزیر بردازیم
 از روزنامه ایران ماه
 مشفقین محترم
 اگر روزنامه شما تصامعت ده نرسید به تان ۵۷۶۰ بنگاه زربخش اطلاع
 دهید تا فوراً ارساله شود